



سازمان های غیر دولتی اهل البیت (ع) در آفریقا و نقش آن ها در بهبود جایگاه فرهنگی و اقتصادی مردم

پدیدآورده (ها) : شکبیا، محمد رضا
جغرافیا :: پژوهشنامه آفریقا :: بهار ۱۳۸۸ - شماره ۱
از ۹۷ تا ۱۲۲

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1108794>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : ۱۶/۰۵/۱۳۹۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

سازمان‌های غیردولتی اهل‌البیت (ع) در آفریقا و نقش آن‌ها در بهبود جایگاه فرهنگی و اقتصادی مردم

محمد رضا شکیبا

کارشناس - سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

چکیده

سازمان‌های غیردولتی آفریقایی با حمایت اتحادیه آفریقا و برخی سازمان‌های بین‌المللی تلاش خود را در دهه اخیر افزایش داده، درصددند در الگوی جدید توسعه، کارآیی و کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، نهادینه ساختن تنوع و تکرر و نظم را ارائه دهند و به‌تدریج مردم‌سالاری و شایسته‌پروری را در مردم نهادینه کنند.

در دو دهه اخیر، جوامع آفریقایی با پذیرش شیوه تعدد احزاب و کاسته شدن از هیجان‌های قبیله‌گرایی اوایل دوران استقلال، غیرایدئولوژیک شدن جوامع و مسلط شدن گفتمان، ضرورت پیشرفت و توسعه، و جایگزینی تدریجی مردم‌سالاری، شاهد نوعی خردمحوری در امور دولتی، اقتصادی و سیاسی بوده است که راه را برای حضور نخبگان و افراد شایسته هموار می‌سازد. در دو دهه پس از نود، جوامع مدنی آفریقایی به‌رغم محدودیت‌ها و وجود کانون‌های مقاومت، از رشد، تنوع و پویایی نسبتاً چشمگیری برخوردار شده و راه پیشرفت را، به‌کندی اما پیوسته، طی کرده‌اند؛ اگرچه علی‌رغم شکل گرفتن و رشد سازمان‌های غیردولتی و جوامع مدنی در آفریقا، هنوز شهرنشینی و مردم‌سالاری نهادینه نشده و چه بسا آن آتش آگاهی به‌اندک باد مخالفی فرو کاسته، به سردی گراید. در این امر، علاوه بر بی‌مهری سیاستمداران، باید به بی‌توجهی و بی‌علاقگی روشنفکران آفریقایی به ارائه راه‌حل‌های موردی برای مشکلات و علاقه آن‌ها به مهاجرت از قاره، سستی در تولید ادبیات مناسب، نبود امکان دسترسی و مبادله آزاد اطلاعات در جوامع آفریقایی و ضعف تئوریک تلاشگران جوامع مدنی و برخی وابستگی‌ها به دنیای غرب اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: جنبش زنان شیعی، آفریقا، اهل‌البیت، سازمان غیردولتی، آموزش، فرهنگ.

مقدمه

مبارزه طولانی مردم آفریقا طی دهه‌های اخیر، دستاوردهای گرانبهایی به همراه داشته و موجب بهبود اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها شده است. مهم‌ترین نتیجه آن تلاش‌ها در سطح کلان، تأسیس اتحادیه آفریقا و در سطح خرد و محلی تأسیس نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی بوده است. با این همه، مردم آفریقا هنوز از نابرابری‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اعمال خشونت و تبعیض در رنج و عذاباند (Mazrui, 1993: 12-13). به نقل از مسئولان سازمان ملل، یک‌سوم مردم در دورترین نقاط در معرض انواع خشونت‌ها، از جمله سوءاستفاده‌های جنسی، تجاوز و ضرب و شتم قرار می‌گیرند. میزان اعمال این خشونت‌ها در مناطق جنگ‌زده شدت بیشتری دارد؛ به‌ویژه آنکه کابوس منازعات و تنش‌های نژادی و دینی همواره بر آسمان آفریقا سایه افکنده است و این بیم وجود دارد که هر لحظه تنش و ناآرامی در آفریقا شعله‌ور شده، سامان زندگی مردم را برهم زند (تارنمای سازمان ملل، بخش آفریقا، ژانویه ۲۰۰۸). واقعیت این است که به‌دلیل کم‌توجهی دولت‌ها و عدم آموزش نهادهای انتظامی، مردم آفریقا در معرض خشونت‌های فردی، نژادی و دینی هستند و بیشترین زیان را از این ناحیه می‌بینند. در واقع، ارتباط ضعیف بین دولت و جامعه مدنی برای مردم زیانبار است (تامسون، ۱۳۸۶: ۴۶-۴۷). در دارفور سودان، سومالی، کنگو، شمال اوگاندا و به‌تازگی در کنیا آسیب بسیاری به مردم آن نواحی وارد شده و زیان‌های جبران‌ناپذیر به همراه داشته است. در آفریقا مردم در هر سنی (از کودکی تا پیری) و جایگاهی (شهرها و روستاها) قربانی خشونت می‌شوند (Newell, 1997: 38 & 91) و چنانچه اقدامات لازم برای جلوگیری از خشونت‌های رفتاری انجام داده نشود، چرخه عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی در آن قاره همچنان تکرار شده، زیان آن متوجه جهانیان خواهد شد. همین مسائل موجب شده آفریقا علی‌رغم ذخایر و معادن فراوان و جمعیت جوان، در اقتصاد جهانی جایگاه ناچیزی داشته باشد (Chazon, 1999: 224-225).

جایگاه مردم در آفریقا

از دیرباز درباره نسبت و رابطه میان مردم و جامعه دو رویکرد وجود داشته است: در رویکرد نخست مردم دارای طبیعت و سرشت الهی بوده، اجازه داشتند در تعامل با ساختار جامعه شرایط فردی و اجتماعی را بسط دهند. در این رویکرد اگرچه برتری

ذاتی، شخصیتی و نژادی مورد قبول و احترام بوده، به تلاش‌های آدمیان نیز پاداش داده می‌شد. به‌همین دلیل در آفریقای پیش از استعمار، مردم از زندگی و اوضاع نسبتاً مناسبی در مقایسه با دیگر کشورهای جهان برخوردار بوده‌اند. در این نگرش، توانمندی و تلاش‌های شخصی نقش مهمی در تعیین جایگاه اجتماعی و برخورداری وی از امکانات ایفا می‌کرد؛ دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تابعی از سازکارهای درونی و تاریخی بوده و هرگز به محرومیت یک قشر یا گروه نمی‌انجامیده است (Bowker, 1997: 1043). در این شیوه، مردم به‌تناسب شرایط و امکانات جمع و قبیله از سطحی مناسب و یکسان از امکانات برخوردار بودند و احساس محرومیت، شدید و تبعیض‌آمیز نبود (Bello, 1991: xxxvii). اما به‌دلیل اینکه در آفریقای پس از سلطه استعمار و حکومت گروهی از افراد مقتدر، تفسیر و اجرای بسیاری از حقوق و قوانین به‌صورت یک‌جانبه به آنان سپرده شده، نابسامانی بسیاری در روابط اجتماعی و کارکرد جوامع پدید آمد. در رویکرد دوم، مردم و نهادهای مردمی چندان مورد اعتماد استعمار نبوده، به‌شیوه‌های گوناگون سرکوب و تحقیر شدند. این امر البته طبیعی به‌نظر می‌رسد؛ زیرا استعمار در پی ایجاد تفرقه در بین مردم و اقشار گوناگون بوده است و تنش‌های قومی، نژادی و جنسیتی موجب استحکام قدرت آن‌ها می‌شد. به این ترتیب، نقش و اهمیت مردم انکار، جایگاه آن‌ها فروتر از مسئولان شناخته و حقوق آن‌ها نادیده گرفته شد.

با گسترش سلطه استعمار و افزایش ظلم و تجاوز اروپایی‌ها، مردم آفریقا به‌تدریج آگاه شده، درصدد رویارویی و مقابله با استعمارگران برآمدند. یکی از شیوه‌های مناسب و هدفمندانه آن‌ها تأسیس و تقویت احزاب و نهادهای مردمی بود. این نهادها به‌دلیل برخورداری از تجربه، سنت و ارزش‌ها به‌تدریج جایگاه مناسب و مطمئنی در بین مردم یافت و منشأ تحولات و تلاش‌های گسترده در دورترین نقاط قاره گردید. به‌منظور تحقق حقوق مدنی و گسترش مردم‌سالاری سیاسی، پس از استقلال، احزاب و نهادهای گوناگونی در نیجریه، کنیا، تانزانیا، آفریقای جنوبی و دیگر کشورهای آفریقایی با اهداف اسلامی تأسیس شدند و به فعالیت حزبی پرداختند (Levitson, 2000: 17)؛ ولی دولت‌های استعماری و پس‌استعماری در روند پیروزی آن‌ها اختلال ایجاد کرده و به طرق مختلف مانع رشد و توسعه آن‌ها شدند (تامسون، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

این سازمان‌ها بر مسائل فرهنگی و آموخته‌های اجتماعی و به‌اصطلاح شیوه آزمون و خطا استوار بود و به‌مرور زمان و با فرهنگ‌سازی راه کمال و سودمندی بیشتر را طی

کرد. اینکه اکنون در آفریقا به مردم اهمیت بیشتری داده می‌شود و اعتلای حقوق اقلیت‌ها و به‌ویژه جوانان و برابری حقوق زن و مرد با استفاده از تجربیات آفریقایی و براساس ارزش‌ها و فرهنگ سنتی در حال گسترش است، از دستاوردهای همان تلاش‌ها و ایثار مردم می‌باشد (Chazon, 1999: 414-416). اکنون امکانات و چالش‌های جهانی‌شدن و بهره‌مندی از امکانات نوین برای مردم آفریقا بیش از گذشته است؛ اگرچه در تمامی گزارش‌ها و تحلیل‌ها از سازمان‌های مردم آفریقایی جمله «جنبش ضروری و درحال‌رشد و در عین حال پرخطر و تنش‌زا» به چشم می‌خورد، این جنبش، تغییر ساختاری جوامع آفریقایی را هدف گرفته و در جست‌وجوی ساختن عالمی نو با ارزش، هنجار و فرهنگی متفاوت با گذشته است. همین امر آن‌ها را به حضور بیشتر در اجتماع و اجرای نقش مهم‌تر تشویق می‌کند. برای کشورهای حتی محافظه‌کار نیز گریزی از این پدیده نیست. در آفریقای زیر خط صحرا بسیاری از سازمان‌های غیردولتی در این زمینه فعال شده، به توانمندسازی مردم کمک می‌کنند. علاوه بر بخش‌های آموزشی و اقتصادی، مؤسسات خیری و اطلاع‌رسانی «آین» در شاخ آفریقا، «میزا» که خبرگزاری مستقل مردم در شرق و جنوب آفریقا محسوب می‌شود «فوموان» در نیجریه و «ویوو» در سنگال و بسیاری دیگر در دورترین نقاط قاره در آگاه‌سازی و توانمندسازی مردم تلاش جدی می‌کنند. ویژگی این سازمان‌ها نگاه دنیایی آن‌ها به مسائل و افزایش قدرت مردم است (Haynes, 1996: 154).

هدف و برنامه سازمان‌های غیردولتی

هدف نویسنده از نگارش این مقاله، ارزیابی مختصری از وضعیت پیشرفت زندگی مردم در آفریقا در طول پنج دهه پس از استقلال و اقدامات انجام‌شده از سوی دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی، و نیز بررسی شرایط جوانان و مردم (به‌عنوان گروه‌های هدف) مسلمان و شیعه و آینده آن‌هاست؛ زیرا بدون ارزیابی کلی شرایط آفریقا و تحولاتی که پدیدار شده، به‌درستی نمی‌توان تلاش‌های سازمان‌های اسلامی - شیعی را ترسیم و منعکس کرد؛ ضمن اینکه تلاش‌های مردم و جوانان شیعه در آفریقا در قالب مساعی اسلامی و سپس رهایی انسان‌های آفریقایی تأویل‌پذیر است. این نوشتار بر موضوعاتی از قبیل مردم و جوانان، بهداشت، فقر، اقتصاد، خشونت علیه مردم و جوانان، حقوق انسانی، آموزش به‌ویژه برای مردم، اهمیت محیط زیست، رویکردهای دولتی برای بهبود شرایط

مردم، تأثیر درگیری‌های مسلحانه در افزایش مشکلات مردم، تأثیر وسایل ارتباط جمعی، نقش مردم در قدرت و تصمیم‌گیری تمرکز کرده است. سازمان غیردولتی متشکل از گروهی از افراد است که به‌صورت داوطلبانه، بدون وابستگی به دولت، غیرانتفاعی، غیرسیاسی، عام‌المنفعه و با تشکیلات سازمان‌یافته در جهت اهداف و موضوعات فرهنگی، اجتماعی، خیریه‌ای، زیست‌محیطی و... فعالیت می‌کنند. در واقع، در جوامع مردم‌سالار به شهروندان حق آزادی شرکت در اجرای امور اعطا می‌شود. اعطای این حق، مجموعه‌ای از سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و مستقل را ایجاد می‌کند که در حد فاصل خانواده و دولت فعالیت می‌کنند و به‌عنوان نهادهای مدنی شناخته می‌شوند.

هدف بیشتر سازمان‌های غیردولتی در آفریقا تحقق اهداف هزاره در جوامع آفریقایی است؛ اهداف هشت‌گانه یاد شده عبارت‌اند از (تارنمای سازمان ملل، تحت اهداف هزاره):

۱. گرسنگی و فقر شدید را ریشه‌کن کنند؛
۲. آموزش ابتدایی همگانی را محقق سازند؛
۳. برابری جنسیتی را ارتقا بخشند و مردم را توانمند سازند؛
۴. میزان مرگ و میر کودکان را کم کنند؛
۵. بهداشت مادران را بهبود بخشند؛
۶. با گسترش بیماری ایدز و ویروس آن، مالاریا و سایر بیماری‌ها مبارزه کنند؛
۷. از پایداری محیط‌زیست اطمینان حاصل کنند؛
۸. مشارکتی آفریقایی برای توسعه ایجاد کنند.

واقعیت این است که دولت‌های آفریقایی به‌دلیل مشکلات ساختاری، اقتصادی و مدیریتی قادر به تحقق اهداف هشت‌گانه نیستند؛ از این‌رو، تلاش سازمان‌های غیردولتی در آن قلمرو مغتنم و ارزشمند است؛ اگرچه سازمان‌های غیردولتی نیز در بخشی از نقاط کشور موفق بوده و توانایی و ظرفیت تحقق همه اهداف را ندارند.

روایتی عام از زندگی مردم آفریقا

آفریقای زیر خط صحرا متشکل از ۴۲ کشور با جمعیتی حدود ۷۰۰ میلیون نفر است که عموماً دچار فقر، کمبود بهداشت، بیکاری و ابهام در خصوص آینده هستند. نژاد مردم سیاه است و به‌استثنای سواحل آفریقا که اسلام را در همان قرون اولیه پذیرفته، بدان عمل کردند، آشنایی نقاط داخلی با ادیان بزرگ در قرن‌های نوزده و بیست حاصل

شد. از نظر اقتصادی کشورهای زیر خط صحرا به‌استثنای سه کشور آفریقای جنوبی، بوتسوانا و نامیبیا در جنوب، از فقیرترین و کم‌توسعه‌یافته‌ترین کشورهای آفریقا محسوب می‌شوند. گفتنی است که دولت‌های آفریقایی در توسعه اقتصادی موفقیت اندکی کسب کردند (تامسون، ۱۳۸۶: ۱۱۳). ۹۰ درصد از قربانیان مالاریا را ساکنان کشورهای زیر خط صحرا تشکیل می‌دهند. کمبود منابع مالی، فقدان زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی و نیز کمبود کادر پزشکی، مهم‌ترین عوامل افزایش قربانیان مالاریا در قاره آفریقا شناخته شده است و در این میان، کودکان و زنان باردار بیشترین تعداد قربانیان مالاریا هستند. در آفریقا سالانه بیش از چندین میلیون نوجوان آموزش‌های رازآموزی را فراگرفته، به‌طریقۀ سنتی و غیربهداشتی ختنه می‌شوند که ۱ درصد آن‌ها با خطر مرگ روبه‌رو می‌شوند. همچنین محرومیت جوانان و به‌ویژه دختران از آموزش، بهداشت، حقوق عادلانه و امکانات اقتصادی هنوز مرتفع نشده است و آن‌ها از این کمبودها زیان بسیار می‌بینند (Mazrui, 1993: 19)؛ از این رو، می‌توان ادعا کرد بیشترین توجه سازمان‌های غیردولتی آفریقا به زنان و جوانان و بهبود شرایط آن‌ها به‌عنوان اقشار مؤثر در این قاره معطوف است و در این مقاله نیز بر این مهم تأکید شده است.

در آفریقا زنان و جوانان در مقایسه با دیگر اقشار اوضاع نامناسب‌تری دارند و همین امر موجب ناامنی و مشکلات بیشتر می‌شود. در مورد جوانان آفریقا که بیش از ۶۰ درصد جوامع آفریقایی را تشکیل می‌دهند، آمار معین و مشخصی در دست نیست؛ اما با توجه به آمار موجود در خصوص زنان می‌توان درباره جوانان و وخامت اوضاع آن‌ها اظهار نظر کرد.

حقیقت این است که منشأ ستم بر مردم را باید نخست در ناکارآمدی دولت‌ها و نگاه تبعیض‌آمیز آن‌ها، قوانین ناکارآمد، رشوه‌خواری و فساد اداری و مأموران فرصت‌طلب و سپس در فقدان نهادهای مدنی دلسوز دانست (Haynes, 1996: 11). فراتر از همه این‌ها، این موضوع را باید در نظر داشت که هنوز مبانی احترام به انسان و حقوق فرد در آفریقا نهادینه و پذیرفته نشده است و به‌اندک احتمالی شرایط کشورها متحول شده، ناآرامی و ناامنی می‌تواند بسیاری از دستاوردهای مردم و دولت‌ها را به چالش بکشد. با توجه به همین موارد است که دولت‌های آفریقایی و نخبگان آن قاره اتحادیه آفریقا را در سال ۲۰۰۲ م. تأسیس کردند تا به‌تدریج مسائل قاره را با نگاهی فراگیر و معطوف به نیازهای آینده مطرح کرده، قوانین قاره‌ای و مناسب را جایگزین سنت‌ها و قوانین تبعیض‌آمیز کنند. به این منظور کشورهای آفریقایی در دو دهه اخیر، عنایت ویژه‌ای به

شرایط و جایگاه زنان و جوامع و دیگر اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر داشته و با وضع برخی قوانین و تغییر در قوانین و روابط تولیدی حاکم بر آفریقا به دستاوردهای خوبی نائل شده‌اند (Newell, 1997: 85).

تحول در گفتمان حاکم بر جنبش مردم آفریقا

یکی از اهداف جنبش‌های نوین آفریقایی، اصلاح قوانین حاکم بر جوامع آفریقایی است. آن‌ها بر این باورند که سنت و عرف دیگر کارکرد گذشته را ندارد و باید راه‌کارهای جدیدی برای حمایت از مردم بدون وابستگی‌های قبیله‌ای آن‌ها انتخاب و تصویب شود. در حقیقت بخشی از نیروی جنبش مردم در آفریقا صرف آگاه کردن جامعه به حقوق مردم و ضرورت احترام به آن‌ها می‌شود. بسیاری معتقدند جنبش مردم در آفریقا بیش از آنکه مبارزه‌ای مقطعی و صنفی باشد، تلاشی مبتنی بر فرهنگ‌سازی است و لازم است چند نسل ادامه یابد. در دو دهه اخیر، رشد و تلاش نهادهای دینی غیردولتی و به‌ویژه اسلامی و شیعی چشمگیر و به سود جوامع بوده است. آن‌ها در کارهای آموزشی، بهداشتی و رفاهی گام‌های مهمی برداشته‌اند؛ از جمله اینکه مردم حامی آن مکتب باید امر آموزش دادن را از نزدیکان خود آغاز کنند. در واقع آگاه‌سازی مردم موجب می‌شود آنان به تدریج به فرزندان خود لزوم احترام به مردم را آموزش دهند. گفتنی است که سازمان‌های اسلامی خیریه از دهه چهل در آفریقا منسجم و فعال شدند (Levitson, Hansen & Twaddle, 1995: 24; 361: 2000). سازمان‌های اسلامی و شیعی در آفریقا بر این باورند که فراهم ساختن زمینه حضور تمامی اقشار جامعه ضرورتی گریزناپذیر است و این مهم، یعنی حق استفاده از مواهب الهی، حضور در امور مختلف جامعه و بهره‌مندی از فرصت یکسان باید تحقق پذیرد.

تاریخچه سازمان‌های غیردولتی

تاریخچه سازمان‌های غیردولتی در آفریقا به سال‌های هفتاد میلادی بازمی‌گردد؛ اگرچه پیش از آن نیز تلاش مردم مسلمان برای کسب حقوق و جایگاه مناسب در جامعه در تاریخ ثبت شده است. علی مزروعی تنگناهای دولتی در حق مسلمانان کنیا را نادرست قلمداد کرده، ادامه آن را منجر به تشکیل انتفاضه در شرق آفریقا می‌داند (Hansen & Twaddle, 1995: 7). دیگر حکومت‌ها، مانند موزامبیک نیز موانع بسیاری برای نهادهای دینی ایجاد کرده‌اند که موجبات اختلال در امنیت آن جوامع را فراهم خواهد کرد (Ibid,).

21. در واقع پس از استقلال و با تغییر شرایط زندگی، امکان تأسیس نهادهای غیردولتی برای بهبود شرایط نامتعادل زندگی آفریقایی‌ها پدید آمد. از سوی دیگر، برخی سازمان‌های بین‌المللی و وابسته به غرب احساس می‌کردند که رقیب آن‌ها، یعنی بلوک شرق فرصت‌های طلایی برای رخنه در آفریقا را به‌دست آورده است و دور نیست که قاره به جرگه هواداران و دوستان بپیوندد. از آنجا که غرب به‌دلیل پیشینه بد استعماری چندان مورد علاقه مردم و سیاستمداران آفریقایی نبوده است و مردم بسیاری از نابسامانی‌های قاره را ناشی از استعمار می‌دانستند، از این رو، اقبال آن‌ها به بلوک شرق طبیعی بود. گفتنی است که پس از استقلال، جنبش‌های چپ و رادیکال فرصت خوبی برای تبلیغ در آفریقا پیدا کرده، برای رواج اندیشه خود می‌کوشیدند. حتی برخی گروه‌های اسلامی از باورهای سوسیالیستی حمایت می‌کردند. البته شماری از کشورها نیز به رویکرد کمونیستی و سوسیالیستی روی آوردند، یا به بلوک شرق تمایل پیدا کردند و از غرب فاصله گرفتند.

در چنین شرایطی، سازمان‌های خیریه‌ای، چون پزشکان بدون مرز، مؤسسه بین‌المللی حمایت^۱، صلیب سرخ، هلال احمر و مانند این‌ها از اولین سازمان‌هایی بودند که در شرق و جنوب آفریقا به کار مشغول شدند. علاوه بر این سازمان‌ها که وظایف منطقه‌ای و قاره‌ای داشتند، سازمان‌های محلی و منطقه‌ای نیز در آفریقا تلاش‌های ویژه داشتند. البته در کارآیی و سودرسانی بسیاری از سازمان‌های غیردولتی نباید تردید داشت.

تنوع فعالیت‌های سازمان‌های جامعه مدنی در آفریقا

نهادهای غیردولتی در آفریقا در تمامی زمینه‌ها تلاش می‌کنند و در دورترین نقاط آفریقا حضور دارند. آن‌ها علاوه بر خدمات آموزشی، از جمله آموزش کودکان و دختران بازمانده از تحصیل، خدمات بهداشتی و نیز خدمات کارگزاری برای مردم، در موضوعات مهم سرنوشت کشورشان نیز نقش براننده و فعالی دارند؛ برای مثال این سازمان‌ها در فرایند تدوین قوانین حقوق بشر و نیز در روند برنامه‌ریزی‌های مالی برای توانمندسازی مردم، تشویق مردم به شرکت در انتخابات و حتی پذیرش نامزدی برای مجلس تلاش ویژه داشته و دارند. البته اگرچه مردم بیشترین استقبال را از رأی‌گیری دارند، به‌طور کلی بهره آن‌ها اندک و حضورشان چالش‌برانگیز است. البته باید یادآور شد که به‌علت تنازعات و مشکلات موجود در کشورهای آفریقایی، برای اکثر گروه‌ها و احزاب سیاسی

امکان کار کردن به مراتب مشکل‌تر از این نهادهاست؛ زیرا شرایط تنش‌زای نژادی و قبیله‌ای و مخالفت با دولت‌ها و حساسیت به نیروهای دولتی موجب شده سوءظن مردم بیشتر شود و از تلاش نهادهای دولتی چندان استقبال نکنند؛ به‌ویژه بیم آن می‌رود که نیروهای بومی چه بسا با سوءاستفاده از امکاناتی که در اختیار آن‌ها گذاشته شده عادلانه رفتار نکنند. بنابراین، در چنین شرایطی آنانی که وابستگی به هیچ جریان سیاسی، دینی و حزبی ندارند، بهتر می‌توانند تلاش کنند و در رفع مشکلات مردم بکوشند. حتی برخی ملی‌گراها نهادهای اسلامی را دشمن فرضی خویش قلمداد می‌کنند (Haynes, 1996: 52).

شمار سازمان‌های غیردولتی

اگرچه سازمان‌های غیردولتی پیوسته در آفریقا در حال افزایش است، تعداد سازمان‌های اسلامی همچنان اندک و ناکافی است؛ برای مثال در شبکه سازمان‌های تحت اشراف سازمان ملل در کنیا و تانزانیا از بیش از پنجاه سازمان مردمی نام برده شده که تنها یکی از آن‌ها نام اسلامی دارد و بسیاری از آن‌ها شبکه‌های وابسته به کلیساها هستند. این امر اگر ناشی از بی‌توجهی نهادهای اسلامی باشد، زیان‌های بسیاری برای مسلمانان دربرخواهد داشت؛ از این رو، اگر بخش‌های اسلامی اوضاع خطرناک کنونی را درک نکرده، به نیازهای زمانه پاسخ نگویند، چه بسا همانند دوران پس از استقلال زیان ببینند و بیشتر به حاشیه رانده شوند (Levitson, 2000: 430-431). در کنیا بیش از شش‌هزار سازمان زنان فعالیت می‌کنند. در دیگر کشورها نیز شمار آن سازمان‌ها پیوسته افزایش می‌یابد. هدف سازمان‌های غیردولتی اسلامی تغییر آفریقا و پدید آوردن آفریقای دیگر با شرایط عادلانه‌تر برای همه شهروندان و به‌ویژه مسلمانان است. به همین منظور تلاش‌های آموزشی در سرلوحه کار آن‌ها قرار دارد (Ibid, 360).

براساس آمار دولتی در شرق و جنوب آفریقا، سازمان‌های غیردولتی مردم بیش از بیست‌هزار هستند که عموماً در زمینه کودکان و مردم فعال‌اند. شماری از آن‌ها نیز در بخش‌های عمومی در شهر و روستا، حمایت از کودکان، جوانان، روستاییان، بزرگسالان، پناهندگان و آوارگان، حوادث غیرمترقبه، امدادسانی و فعالیت‌های مشابه آن، خدمات‌رسانی می‌کنند. برخی از سازمان‌ها نیز در امر پژوهش در تمام حوزه‌ها فعال هستند و از نتایج آن تمامی بخش‌ها بهره می‌برند. شماری نیز در زمینه انتشار کتاب و کارهای رسانه‌ای فعال‌اند. تمامی سازمان‌های شیعی شرق و جنوب آفریقا به‌صورت

خیریه هستند و از کمک‌های مردم در داخل و خارج از قاره استفاده می‌کنند. در حوزه بهداشت، درمان و آموزش، محیط زیست و حرفه‌آموزی و اشتغال نیز برخی سازمان‌ها به‌طور تخصصی کار می‌کنند؛ اگرچه سازمان‌های غیردولتی مردمی براساس توان و امکانات، در بیشتر زمینه‌های یادشده فعالیت دارند. آن‌ها در زمینه صندوق‌های اعتباری، اعطای تسهیلات و وام برای اشتغال، خرید مسکن، تشکیل خانواده، کمک‌هزینه تحصیل نیز اقدامات لازم را انجام می‌دهند. صندوق‌های اعتباری نیز اغلب با هدف توانمندسازی مردم سرپرست خانوار و آسیب‌دیده فعالیت می‌کنند. گفتنی است که بسیاری از این سازمان‌ها دارای اهداف مذهبی بوده، در امر تبلیغ دین نیز کوشا هستند.

جایگاه اقشار اسلامی در گسترش مردم‌سالاری

مردم مسلمان آفریقا برای تحقق خواسته‌های خود از هیچ کوششی فروگذار نکردند. آن‌ها نخستین مبارزان با استعمار و سلطه بودند و دیگر گروه‌های آفریقایی در مبارزات خود به آن‌ها تاسی کردند؛ برای مثال مسلمانان شهرنشین در تانزانیا در مبارزات مائوماو نقش جدی داشتند و سپس همان شهرنشین‌های مسلمان خواسته‌های جدید را مطرح کردند و شالوده مؤسسات مردمی را بنا نهادند (Ibid, 359). در سودان نیز به‌تازگی جوانان و مردم خواسته‌های جدیدی را مطرح کرده‌اند که عمل به آن‌ها موجب پیشرفت خواهد شد. همچنین جوانان نقش مهمی در حفظ و استمرار صلح دارند و سیاستمداران آفریقا در جهت تحقق خواسته‌های آن‌ها تلاش می‌کنند.

متأسفانه پژوهشگران آفریقایی اهمیت تلاش مردم مسلمان در دوران استقلال و پس از آن را درک نکرده و ارج نهاده و اهمیت حضورشان را در عرصه اجتماع، هر چند که به‌لحاظ کمی اندک بوده، درنیافته‌اند. آن‌ها این پیش‌فرض را پذیرفته‌اند که تا پیش از دوران استقلال، مردم آفریقا در جهل و ناتوانی به سر می‌برده و پس از آن نیز دنباله‌روی قبیله خود بوده‌اند؛ در حالی که نهادهای دینی در تاریخ آفریقا چه در ساختار قبیله و چه به‌صورت انفرادی نقش مهمی داشته‌اند (Levitson, 2000: 209-211). اگرچه منابع، اسناد و اطلاعات موجود در آن زمان بسیار اندک است، خوشبختانه پروفیسور مزروعی در کتاب *آفریقا در دوران معاصر* اشاراتی هر چند کوتاه، ولی دقیق و موردی به تلاش مردمی و به‌ویژه جوانان در دوران پیش از استقلال دارد (Mazrui, 1993: 71 & 95). واقعیت این است که تلاش‌های مردمی در دوران پیش از استقلال در مسیر مبارزه مؤثر و مستمر بوده و راه پیشرفت‌های اجتماعی و سیاسی را هموارتر کرده است (تارنمای

سمینار جوانان نیجریه در مورد صلح و امنیت). اما پس از برقراری حکومت‌های آفریقایی، به آن‌ها عنایت کافی نشده و فرهنگ قبیله‌ای مبنی بر بی‌توجهی به نقش و حضور مردم در مقاطع تصمیم‌گیری غلبه و نقش مردم در اجتماع کاهش یافته است. در واقع حضور در سازمان‌های مذهبی شایع‌ترین شکل زندگی اجتماعی در آفریقا به‌شمار می‌آید (Chazon, 1999: 97; Hansen & Twaddle, 1995: 7). بعد از گذشت دو دهه از استقلال، نسل جدیدی از اقشار توسعه‌طلب و فرهیخته در جوامع آفریقایی رشد کردند که با طرح خواست‌های خود مبارزه برای تحقق مردم‌سالاری را هم در زمینه نظری و هم در عرصه عملی آغاز کرده، از زندگی شخصی گرفته تا حیات اجتماعی، تفکر سنتگرا و مغایر با ارزش‌های نوین را در شماری از عرصه‌ها به‌چالش کشیدند (Haynes, 1996: 48).

تأکید بر حقوق زنان و جوانان از سوی سازمان‌های غیردولتی

در دوران پس از استقلال و حاکم شدن افراد و اندیشه بومی، جوامع آفریقایی به‌تدریج با وخامت اوضاع اقتصادی روبه‌رو شده، نابسامانی‌ها افزایش یافت. گسترش شهرنشینی و فناوری‌های نوین ارتباطی موجب آگاه شدن مردم از میزان محرومیت خود و افزایش مطالبات آن‌ها از حکومت و حتی اطرافیان گردید؛ از این رو، موضوع بهبود شرایط و جایگاه مردم در اذهان عموم و سیاستمداران قوت گرفت و اقداماتی در این زمینه صورت پذیرفت؛ از جمله به‌دلیل بازپالایی جایگاه مردم و جوانان در آفریقا و بازگرداندن حقوق آن‌ها، در دهه‌های اخیر، دولت‌ها، نهادهای علمی، فرهنگی و دینی به این امر اهتمام نمودند و سازمان‌های متعددی در آن زمینه شروع به کار کردند. از آنجا که این امر مورد حمایت کشورهای غربی بود، بودجه‌ای که به این منظور اعطا گردید برای تأسیس و کار هزینه شد. در زمینه آگاه‌سازی مردم و جوانان، نقش و تلاش‌های گروه‌های اسلامی در این زمینه، اگرچه اندک، ولی مؤثر بود؛ برای مثال می‌توان به سومالی اشاره کرد.

نقش زنان و جوانان در سیاست آفریقا

واقعیت این است که بدون ساختارشکنی و تحول در اندیشه و تصور مردم آفریقا، حضور زنان و جوانان در امور مختلف متصور و مقدور نبود؛ زیرا این دو قشر از نظر ارزش‌های سنتی فاقد توانایی حضور در عرصه‌های مختلف زندگی، و مطیع دیگران بودند؛ از این رو، فهم دقیق جایگاه سیاسی مردم و جوانان و مشارکت آن‌ها در جامعه آفریقا، به

بررسی دقیق نیازهای آن‌ها از یک سو و نیاز جامعه به حضور و تلاش آن‌ها از سوی دیگر، و از میان برداشتن تضاد میان سکولاریسم و باورها و انگاره‌های دینی وابسته است. این تضاد به میزان بسیار زیاد ناشی از شکاف‌های سیاسی و مشکلات اقتصادی است که آن نابرابری را تشدید می‌کند؛ مانند تفاوت زندگی در شهر و روستا، تفاوت‌های طبقاتی و قبیله‌ای، تفاوت‌های دینی و فرهنگی و نگران‌کننده‌تر از همه نگاه انحصارگرایانه برخی به حکومت و قدرت (Levitzon, 2000: 432-433). اگرچه ۵۰ درصد از مردم آفریقا مسلمان هستند، آفریقا از سال ۱۹۰۰م. به‌استثنای زنگبار هیچ حکومت مذهبی نداشته است و حتی می‌توان گفت سیاستمداران پیرو دیگر ادیان در خصوص تضعیف جایگاه مسلمانان پیشقدم و مصمم بوده‌اند. حتی با اینکه یکی از اصول حکومت سکولار برابری میان دو جنس بود، این امر تا دهه هشتاد در بسیاری از کشورهای آفریقا مغفول واقع شد و مردم نقشی در امور سیاسی و تصمیم‌گیری نداشتند. پس از آن نیز به‌دلیل تأکید سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای غربی در آفریقا شکلی از فمینیسم دولتی ظهور کرد که از حمایت دولتی برای تقویت برابری میان مردم و مردان، ولی در سطح محدودی برخوردار بود.

مردم و به ویژه جوانان پس از فروپاشی شیوه‌های تک‌حزبی در دهه نود، فصل نوینی از فعالیت را آغاز کردند و به کارهای سیاسی علاقه نشان دادند. آن‌ها همایش‌های متعددی را به کمک سازمان‌های غیردولتی و حتی نهادهای دولتی ترتیب دادند و ضمن درگیر کردن خود در امور سیاسی و اجتماعی، به آموزش توده‌ها و اصلاح برخی قوانین پرداختند که می‌توان به لغو ازدواج مذهبی و جایگزین کردن ازدواج‌های مدنی، کاهش چندهمسری، مبارزه با ختنه دختران و تأکید بر آموزش رسمی آن‌ها، پذیرش حضور مردم در بخش‌های سیاسی و اقتصادی و اعطای حقوق برابر در برخی موارد به مردم و مردان اشاره کرد. هم‌اکنون گروه الشباب^۱ (جوانان) در سومالی نهاد قدرتمندی محسوب می‌شود که در راه صلح و پیشرفت جامعه سومالی می‌کوشد.

اکنون، حوزه‌های دینی آفریقا باید به زنان و جوانان توجه بیشتری مبذول دارند و علاوه بر آگاه‌سازی دینی و اجتماعی آن‌ها، در طرح حقوق و جایگاه آنان نیز پیشقدم باشند. همچنین ضروری است سازمان‌های زنان و جوانان فعال اسلامی در آفریقا تلاش و فعالیت‌های خود را گسترش دهند؛ زیرا با وجود تحول و تغییرات انجام‌شده در خصوص برابری میان زنان و مردان و همگامی دولت‌ها و کلیسا با این پدیده، بیم آن می‌رود

برخی گمان کنند که اسلام مدافع سنت‌ها و آداب و رسوم قبیله‌ای و مانع پیشرفت و رفاه مردم است. گفتنی است که هر جا گروه‌های اسلامی بر برنامه‌های خود تأکید داشته‌اند، دولت‌ها سرانجام مجبور شدند خواسته‌ی آن‌ها را بپذیرند. در سنگال سازمان جوانان سیاه‌پوست مسلمان^۱ خواسته‌های خود را که اسلامگرایی و آزادسازی ملی بود، بر سدار سنگور، رئیس جمهور سنگال، تحمیل کردند.

دستاوردهای جنبش زنان

در آفریقا سه دهه است که گام‌هایی در عرصه‌ی برابری زنان و مردان برداشته شده است و به‌مرور زمان این تلاش‌ها فزونی می‌یابد. نگاه جنسیتی در آفریقا سابقه‌ی اندک، ناپایدار و محدودی داشته است؛ اما پس از استقلال توجه به زندگی مردم و جوانان و بهبود شرایط آن‌ها با کمک و تشویق سازمان‌های بین‌المللی به تدریج استمرار یافته و هنوز هم برای گسترش این کمک‌ها نیازمند حمایت مادی و معنوی آن‌هاست. به‌همین دلیل و بنا به‌ضرورت حضور جدی مردم و جوانان و استفاده از نیروی اندیشه و توان اقشار مختلف در جامعه است که اتحادیه‌ی آفریقا در اجلاس ژانویه ۲۰۰۸ م. برابری جنسی و توجه بیشتر به جوانان در آفریقا و تلاش دولت‌ها را بررسی و ارزیابی کرد. لازم است ذکر شود که دولت‌های آفریقایی به‌شدت از مدت‌ها قبل، از سوی اتحادیه‌ی آفریقا، سازمان‌های مدافع حقوق بشر و به‌ویژه تشکل‌های طرفدار حقوق مردم، تحت فشار قرار داشتند تا این نقص را رفع کنند. البته بی‌توجهی به حقوق و جایگاه مردم و به‌ویژه جوانان و دیگر اقشار آسیب‌پذیر ویژه‌ی آفریقا نبوده است و مردم تمام کشورهای دنیا به این بلا گرفتارند که البته شدت و ضعف دارد. سازمان ملل متحد در ۱۹۸۵ م. بیانیه‌ای در خصوص بهبود شرایط مردم تنظیم و از کشورهای آفریقا درخواست کرد حقوق و امتیازات بیشتری برای مردم قائل شوند.

اشتغال مردم در آفریقا با میزان سواد و سطح تحصیلات آنان ارتباط تنگاتنگی دارد. آمارها نشان می‌دهد میزان اشتغال در مردمی که تحصیلات عالی دارند، چهار برابر مردم دارای تحصیلات متوسطه و سیزده برابر مردم بی‌سواد است. به‌همین دلیل، نهادهای اسلامی بر آموزش و پرورش تأکید بسیاری دارند.

خشونت علیه مردم آفریقا

خشونت علیه مردم و به‌ویژه زنان مخصوص آفریقا نبوده است و بنابر سلوک فرهنگی، اجتماعی و قومی، در هر زمان و مکانی می‌تواند به صورت‌های متفاوت ظاهر شود. وسعت خشونت علیه مردم به گستردگی تاریخ بشر بوده است و مبارزه با آن به همکاری بین‌المللی و به‌ویژه رفع فقر و بی‌سوادی نیاز دارد. خشونت علیه زنان و کودکان تقریباً در تمامی طبقات اجتماعی، اقتصادی، نژادی، سنی و جغرافیایی مشاهده می‌شود؛ هر چند این پدیده در میان آفریقایی‌ها شایع‌تر است. بسیاری از سازمان‌های غیردولتی بخشی از تلاش خود را مصروف حمایت از آسیب‌دیدگان از خشونت می‌کنند. از آنجا که خشونت، خشونت به بار می‌آورد، کودکی که الگوهای پرخاشگری دارد در بزرگسالی رفتار مشابهی نشان می‌دهد. البته تغییراتی در نوع خشونت علیه مردم به‌وجود آمده که از آن به خشونت مدرن یاد می‌کنند. در واقع مدرنیسم نه تنها جایگاه اصلی مردم را احیا نکرده، بلکه آن‌ها را به شکل‌های دیگری مورد بی‌احترامی قرار داده است. تجارت و بهره‌برداری جنسی از مردم، فروش دختران جوان و نوجوان از سوی پدران فقیر به مراکز فساد و رونق بازار فیلم‌های غیراخلاقی در غرب مصادیقی از خشونت مدرن علیه مردم است. در این زمینه، ضروری است سازمان‌های غیردولتی برای حمایت از مردم آسیب‌دیدهٔ مسلمان و غیرمسلمان همت عالی از خود نشان دهند.

طبق برآورد سازمان‌های مدافع حقوق بشر، سالانه بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ هزار انسان به دست قاچاقچیان از مرزها عبور داده شده، به فروش می‌رسند. ۸۰ درصد از این افراد دختران هستند. بسیاری از این افراد به کارهای سیاه و غیرقانونی واداشته و مورد استثمار و بدرفتاری واقع می‌شوند. دبیر کل سازمان ملل قاچاق متداول و فزایندهٔ مردم و کودکان را نفرت‌انگیز دانست و تأکید کرد: «با هدف قرار گرفتن روزافزون مردم درگیری‌های مسلحانه، توأم با رشد وحشتناک بیماری ایدز و ویروس آن در میان مردم، به‌ویژه مردم جوان طی دههٔ گذشته، اکنون به این نتیجه رسیده‌ایم که چالش‌های پیش‌روی مردم بدون راه حل نیستند.»

بررسی نفوذ عامل دینی بر زندگی مردم آفریقا

نفوذ عامل دینی بر زندگی مردم در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آفریقا تاریخچهٔ طولانی و درخشانی دارد. مردم آفریقا بسیار مذهبی بوده و به مذاهب و ادیان آفریقایی علاقه‌مندی و حمایت راستین خود را ابراز داشته‌اند. اسلام و مسیحیت نیز از

همان زمان ظهور در آفریقا پایگاه‌های مطمئنی یافته و پیوسته بر پیروان آن ادیان در قاره آفریقا افزوده شده است.

تغییرات مذهبی اگرچه همواره در آفریقا به‌وقوع می‌پیوسته و شرایط مردم را متحول می‌کرده است، به نظر می‌رسد عمده تحولات مذهبی - که به گفته لویترزون به نوعی رادیکاله شدن اسلامی را دربر داشت - پس از استقلال و به‌ویژه در سه دهه اخیر به‌وقوع پیوسته باشد. البته در یک سده اخیر، مشارکت ادیان در امور زندگی مردم، به‌ویژه آیین اسلام در مبارزه ملی‌گرایانه، کمک به وحدت ملی و تشویق قبایل برای مبارزه با استعمارگران، تأسیس نهادهای دینی و مؤسسات عام‌المنفعه، تلاش برای ارتقای آموزش و بهداشت عمومی، حضور گسترده در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تأثیر فراوانی در افزایش نفوذ دینی در آفریقا داشته است؛ به‌نحوی که سیاستمداران نیز علی‌رغم نداشتن اعتقاد قلبی به مسائل دینی درصدد برآمدند با استفاده از احساسات دینی مردم و معرفی خود به‌عنوان مدافع دین و احکام اسلامی به اهداف خود برسند و از این امر سود نیز بردند. البته با مدد گرفتن از قوانین حیات‌بخش اسلام در بخش‌های مسلمان‌نشین، می‌توان به‌سادگی بر شماری از مشکلات مردم غلبه کرد.

مردم و رسانه‌ها

از مؤسسه‌ای که تأثیر بسیاری بر آگاهی مردم و به‌ویژه جوانان دارد، رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها در سه دهه اخیر، در آفریقا رشد مناسب و فزاینده‌ای داشته و در افزایش آگاهی مردم مؤثر بوده‌اند. تا پیش از آن، بیشتر رسانه‌ها در آفریقا تحت نفوذ دولت و به‌نوعی سخنگوی آن‌ها بوده‌اند؛ اما از دهه هشتاد میلادی به بعد، برخی روزنامه‌های مردمی و وابسته به افشار صاحب‌نفوذ در آفریقا رشد کرده، در طرح مسائل مختلف مردم پیشقدم شدند. گفتنی است که رسانه‌های غربی رویکرد منصفانه و مناسبی به شرایط مردم مسلمان آفریقا ندارند، همواره تصویری ناصحیح و به‌غایت تیره از زندگی مسلمانان نشان می‌دهند و اذهان مردم آفریقا را به فرهنگ و تمدن اسلامی مخدوش می‌سازند؛ در حالی که مردم مسلمان و به‌ویژه شیعه آفریقا در فرهنگ‌سازی و آگاه کردن جامعه تأثیر بسزایی دارند. همین رویکرد را صاحبان نشریات غربی به مردم کشورهای آفریقای سوم دارند و برای تحقیر آنان برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند. در این زمینه، جهت کاهش تأثیرات رسانه‌ای غرب کوشش بیشتری احساس می‌شود. اکنون سازمان‌های غیردولتی اهل‌البیت (ع) در آفریقا در بخش رسانه‌ای فعال هستند و در آگاه کردن مردم نقش مؤثری دارند. آن‌ها با در اختیار داشتن رسانه‌هایی از قبیل تلویزیون، رادیو، روزنامه و

تارنما پیوند فعالی با علاقه‌مندان دارند. سازمان خواهران اهل‌البیت (ع) کنیا که یک نهاد غیردولتی اطلاع‌رسانی در شرق و جنوب آفریقا به‌شمار می‌رود، در این زمینه فعال است و چهار هدف عمده را پیگیری می‌کند:

۱. ارتباطات مستقیم با سیاستمداران و افراد صاحب‌نفوذ جامعه و طرح مسائل مردم؛
۲. انعکاس رویدادهای مهم و مؤثر در زندگی زنان و مردان آفریقایی و دستیابی به جمعیت گسترده‌ای از مردم کشورها؛
۳. آموزش زنان از طریق آگاه کردن آن‌ها به شرایط دیگر نهادها و گروه‌های زنان در دورترین نقاط عالم؛
۴. جلب حمایت و پشتیبانی عمومی و دولتی از زنان رنج‌دیده و ستم‌کشیده.

توجه به آموزش و افزایش آگاهی مردم آفریقا

میزان مردم باسواد و متخصص در آفریقا نسبت به کل جمعیت رشد کافی نداشته است و در بسیاری از کشورها باسوادان تقریباً کمتر از ۵۰ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. با این‌همه، اکنون شماری از مردم با تحصیلات عالی و تجربه کاری مفید در آفریقا حضور دارند که خواهان مشاغل کلیدی و حساس هستند. تفاوت در میزان دانش و تجربه البته در شهرهای کوچک و روستاها بیشتر مشهود است. در گذشته، شمار مردم باسواد بسیار اندک بوده؛ ولی اکنون به‌دلیل حمایت دولت‌ها و تأکید سازمان‌های فرهنگی، مردم از نظر رشد باسوادی شرایط بهتری دارند؛ اگرچه هنوز نسبت حضور مردم در بخش‌های دولتی و خصوصی و مراکز تصمیم‌گیری اندک و چیزی کمتر از ده درصد است. با تمام این اوصاف، هنوز بی‌عدالتی در جوامع درخصوص بهره‌مندی از امکانات از بین نرفته است؛ از جمله در آفریقای هزاره سوم سهم پسران از آموزش بیش از دختران است، دختران شهری در مقایسه با روستاییان سهم بیشتری از آموزش دارند، امید پذیرش در دانشگاه برای پسران بیش از دختران است و شهرنشینان امکان بیشتری برای حضور در دانشگاه در مقایسه با روستاها دارند و البته اقشار مرفه بیش از هر دو گروه (شهری و روستایی) برای استفاده از امکانات فرصت دارند. سازمان‌های غیردولتی اسلامی با حضور در بخش‌های آموزشی و تأسیس برخی نهادهای آموزشی از مدارس تا دانشگاه در تقویت بنیان علمی جوامع اسلامی گام مهمی برداشته‌اند.

توجه سازمان‌های غیردولتی به مسائل جامعه

از آنجا که حضور در حوزه عمومی موجب پویاشدن اجتماع و شهروندان می‌شود، سازمان‌های غیردولتی اسلامی عنایت ویژه‌ای به آن دارند و با برگزاری هم‌اندیشی، کارگاه گروهی و سخنرانی، مردم را به مشارکت فعال در امور اجتماعی تشویق می‌کنند. اعضای این نهادها با برگزاری کارگاه‌های متفاوت، دانش لازم و شناخت دقیق از مشکلات و چالش‌های موجود در دورترین نقاط قاره را بررسی می‌کنند و راه‌حلهایی را به مردم ارائه می‌دهند. گفتنی است که سیاستمداران، رؤیسان و مدیران جوامع آفریقایی پس از استقلال آفریقا، یا تکنوکرات‌هایی بودند که از غرب تازه بازگشته، فاقد دانستنی‌های لازم برای رفع مشکلات بودند و یا اینکه نیروهای درگیر در مبارزات استعماری بودند که مهارت و تجربه چندان برای اداره کشورها نداشتند. همچنین دولت‌های پس از استقلال هیچ برنامه مدون و منسجمی برای توسعه و پیشرفت کشور نداشتند و اصلاً امکان آن را نیافته بودند تا در آن زمینه اندیشه و برنامه‌ریزی کنند.

در جنبش مردم مسلمان و شیعه در آفریقا، بسیاری از مردم با نگاه‌های بنیادگرایانه شرکت و فعالیت می‌کنند. این بنیادگرایی البته به معنای بازگشت به آموزه‌های اصیل دینی است و با سنت‌های قبیله‌ای آفریقا پیوندی ندارد. این واقعیتی است که زنان آفریقایی در برزخ سنت و مدرنیته به سر می‌برند و اگر تلاش‌های سازمان‌های اسلامی و شیعی نباشد، آن‌ها به بیراه‌های دیگر کشیده خواهند شد. در جامعه آفریقایی که کشاکش بین سنت و مدرنیته وجود دارد، مردم به عنوان گروهی که بیشترین فشار سنت و مذهب و حکومت مذهبی را تحمل می‌کنند، نقش برجسته‌تری در گذار به مدرنیته می‌یابند. آن‌ها می‌توانند بخشی از پرچمداران گذار به مدرنیته باشند. امروزه، اوضاع در آفریقا به گونه‌ای است که این ادعا که مردم باید فقط از آب‌سخور فرهنگ بومی خودشان سیراب شوند به ادعای پوچی تبدیل شده است. بسیاری از این مردم، به گمان نگارنده، به درستی دریافته‌اند که مشکل فقط یک حکومت سیاسی نیست، بلکه باید با ساختار پدرسالاری مبارزه کرد.

تمایلات سازمان‌های غیردولتی دینی

سازمان‌های غیردولتی رؤیای دستیابی به شرایطی را در سر می‌پروراند که در آن، هر شخصی به همراه گروه‌های همفکر، عامل ایجاد تغییر و تحول در بسترهای اجتماعی اطراف خویش باشد. براساس این دیدگاه، تنها در چنین فضایی است که انسان‌ها با

اعتماد به نفس و سختکوشی می‌توانند با چالش‌های پیچیده اقتصادی و اجتماعی مواجه شوند و برای رفع آن راه حل‌های مناسب و عملی را بیازمایند. به همین جهت، رسالت سازمان‌های غیردولتی ایجاد مجموعه‌ای شهروندی است که کارآفرینان اجتماعی را در سراسر آفریقا جذب و تمامی بانوان نیازمند آن خطه را به حضور فکری و عملی برای ایجاد تغییر در زندگی خود و اطرافیان تشویق کند.

ویپاز یا مؤسسه ولیعصر (عج) به‌منظور تضمین موفقیت اصولی در دستیابی به اهداف موردنظر خود رویکردی برگزیده است که مطابق آن، افراد، گروه‌ها و بخش‌های به‌وجودآمده در حوزه‌های غیردولتی تقویت می‌شوند. مطابق این رویکرد، آموزش مناسب و عملی بانوان و حمایت کامل از آن‌ها در اجتماع، نخستین مرحله ایجاد تغییر و تحول فکری و اقتصادی در جامعه آفریقا محسوب می‌شود. در مرحله بعد با گسترش مراودات این افراد با یکدیگر، فضای جدیدی برای رشد و بهبود شرایط اجتماعی، اقتصادی و رشد افکار دینی پدید می‌آید. نوآوری‌های بسیاری در زمینه‌های توسعه اجتماعی در شرق آفریقا از این طریق به‌وجود آمده است. پس از آن نیز نوبت به فراهم آوردن امکانات، به‌ویژه آموزشی و دینی، تسهیلات و مجموعه‌های اجرایی می‌رسد که نتیجه ساختارسازی و کارهای زیربنایی در سطوح اجتماعی است. این قبیل کارهای زیرساختی امکان تبدیل‌شدن شبکه‌های به‌وجودآمده را به یک بخش جدید فراهم می‌آورند که می‌توان آن را جامعه مدنی دینی در آفریقا نامید. این سازمان همچنین در جهت توانمندسازی افراد ناتوان و به‌ویژه کودکان در دارالسلام و آروشا فعال است. فلسفه تشکیل این سازمان‌ها مبتنی بر این است که بهترین راه برای اعمال تغییرات در جامعه، تقویت کارآفرینی اجتماعی، ایده‌های خلاق دینی و اجازه مدیریت بومی و گروهی به افراد است.

منابع مالی این سازمان از طریق افراد، نهادها و شرکت‌های خصوصی در سراسر دنیا تأمین می‌شود. با توجه به اهمیتی که این سازمان‌ها برای مشارکت مردمی و به‌دور از مراقبت‌ها و مناسبت‌های دولتی و حتی اشخاص صاحب نفوذ، ولی غیرپایبند به امور دینی قائل هستند، از دریافت کمک از مؤسسات و نهادهای وابسته به دولت‌ها خودداری می‌کنند. طرح‌های این‌چنینی، در کنار پذیرش مستعدترین افراد و تأمین مالی طرح‌های آنان تا زمان راه‌اندازی و سوددهی اجتماعی، در رشد خودجوش و مستقل جوامع گوناگون تحت نظارت مؤسسه ویپاز نیز موفق بوده است.

نگرش ویژه سازمان‌های دینی به امر آموزش، شرایط ایجاد تغییراتی بنیادین را در نظام‌های کشورهای آفریقایی پدید آورده است. این سازمان‌ها به آوردن مدارس در دسترس کودکان به جای کشاندن آنان به مدارس معتقد است. آن‌ها سعی می‌کنند موضوعاتی، از قبیل تقویت احساس همدردی و شناخت اجتماعی در کودکان و توانمندسازی آنان برای استفاده از فناوری روز را در برنامه‌های آموزشی خود بگنجانند. این سازمان‌ها در زمینه‌های حقوق بشر نیز نظام‌های قضایی مستقل و پاسخگو در کشورها را تقویت کرده، مسئولیت‌پذیری عمومی در حل مسائل عمومی حقوق بشر را در کشورهای تحت حمایت توسعه می‌دهند.

رویکرد سازمان‌های غیردولتی شیعی به مسائل آموزش و بهداشت عمومی نیز به‌نحو ویژه‌ای علاوه بر بخش‌های درمانی، شامل پیشگیری و آموزش است و بر رفع بی‌سوادی و دسترسی به جمعیت‌های محروم در نقاط دورافتاده تأکید می‌ورزد. همچنین نگرش به توسعه اقتصادی مبتنی بر فراهم کردن خدمات مالی برای تمامی افراد جامعه، سرمایه‌گذاری بر فناوری برای بهبود وضعیت اقتصادی مناطق روستایی و تدارک درآمد کاری از طریق مشارکت در کارهای تولیدی در میان سازمان‌های غیردولتی شیعی به‌تازگی رواج یافته و مؤثر نیز بوده است.

نهادهای مردمی به مثابه سرمایه بزرگ اجتماعی

تمرکز سازمان‌های شیعی فعال در آفریقا بر امور مردم، مسائل اقتصادی، بحران‌های حاصل از منازعات دینی و نژادی و خشونت سیاسی سبب شده است دغدغه‌های آنان منحصر به مسائل کشور خودشان نباشد و دیدگاه‌های وسیع با رویکردهای فراگیری در خود بیروارند. از آنجا که این سازمان‌ها فقر را «شدیدترین نوع خشونت» می‌خوانند و خشونت جنسی به زن را نیز به فقر و خشونت‌های دیگر، مانند خشونت جنگ و درگیری‌های قومی پیوند می‌زنند، یکی از اهداف اولیه آن‌ها توانمندسازی مردم از نظر اقتصادی است. سازمان‌های مهم شیعه تاکنون توانسته‌اند در بسیاری از کشورهای آفریقایی، مانند مصر، سنگال و زیمبابوه طرح‌هایی را راه‌اندازی کنند که هدایت آن‌ها را مردم بومی همان کشورها به‌عهده دارند. این طرح‌ها، به‌ویژه در جهت افزایش مهارت‌های شغلی مردم و درآمدزایی مؤثر است. برخی از آن‌ها به تربیت نیروهای متخصص زن، مانند پزشک، پرستار، استاد دانشگاه، متخصص کامپیوتر، حسابدار و... اختصاص دارند. شکل دیگری که این کمک‌ها، به‌خصوص در سال‌های اخیر به خود

گرفته است، کمک به قربانیان جنگ و آوارگان است، برای مثال می‌توان به کمک‌رسانی آن‌ها با احساس هویتی مشترک در جنگ داخلی لیبیا، جنبش ضد نژادپرستی آفریقایی جنوبی، نسل‌کشی در رواندا و بحران پناهندگان و به‌تازگی نیز جنگ دارفور و سومالی اشاره کرد. سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی می‌کوشند در قالب گروه فشار دولت‌های آفریقایی را مجبور کنند برای مردم اولویت ویژه قائل شوند. در حقیقت جوامع سنتی آفریقایی جز در مقابل فشارهای آن سازمان‌ها کوتاه نیامده، به اصلاحات لازم دست نخواهند زد.

سازمان‌های غیردولتی شیعی مردم در آفریقا

سازمان‌های غیردولتی شیعی مردم در آفریقا در تمامی زمینه‌ها فعال هستند؛ برخی از آن‌ها مانند مؤسسه ویپاز در تانزانیا، شبکه‌خواهران اهل‌البیت (ع) در کنیا، سازمان زنان فاطمه در غرب آفریقا و یا بلال میشن در شرق آفریقا تلاش‌های همه‌جانبه می‌کنند. بعضی از این سازمان‌ها به‌شکل غیرعلنی برای بهبود شرایط زندگی مردم و جایگاه آنان فعالیت می‌کنند. در واقع کمک به توانمندسازی مردم یکی از وظایف خطیر این سازمان‌هاست؛ زیرا به‌دلیل ساختار قبیله‌ای و یا برخی تعصبات دینی، مردم آفریقا کمتر اجازه می‌دادند سازمان‌های یادشده در آن زمینه اقدام کنند. سازمان زنان حضرت فاطمه (س) در شرق و غرب آفریقا یکی از آن شمار است. سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی به‌درستی درک کرده‌اند که بهبود شرایط قاره و حتی اعتلای کار آن‌ها بدون تمرکز تلاش‌ها بر آموزش و پرورش مؤثر نخواهد بود؛ برای مثال مؤسسه ولیعصر (عج) در تانزانیا از سال ۱۹۸۷ م. به‌مدت یک و نیم دهه، خدمات آموزشی به دختران شرق و جنوب آفریقا ارائه کردند. آن‌ها سپس در سال ۲۰۰۵ م. با افزایش بخش‌های جدید اقدام به پذیرش دانش‌آموزان پسر در دوره دبیرستان کردند. بخش‌های تبشیری نیز همین رویکرد و اولویت را قائل هستند؛ با این تفاوت که آن‌ها به‌دلیل برخورداری از امکانات بیشتر مادی و جلب نظر سیاستمداران، سریع‌تر به مردان جامعه خدمات‌رسانی می‌کنند.

سازمان‌های اسلامی بیشترین تلاش خود را به آگاه‌سازی زنان معطوف کرده‌اند. مؤسسه اهل‌البیت (ع) زنان کنیا از مؤسسات شاخص و فعال است که به دست بانوان شیعه اداره می‌شود. این مؤسسه دارای تارنما و نشریه است و به کارهای عام‌المنفعه نیز می‌پردازد. این مؤسسات تلاش خود را به اقدامات زیر معطوف کرده‌اند:

۱. تغییر سن ازدواج و قانونمند ساختن آن با تأکید بر رضایت دختر؛
۲. لغو آموزش‌های سنتی قبیله‌ای و تأکید بر آموزش دختران؛
۳. تأکید بر حقوق اقتصادی، سیاسی و دینی زنان؛
۴. لغو عمل سنتی ختنه زنان؛
۵. تحریم هرگونه خشونت و به‌ویژه خشونت فیزیکی علیه زنان؛
۶. تلاش برای اشتغال زنان در بخش‌های مورد نیاز؛
۷. کمک به ادامه آموزش عالی دختران؛
۸. توانمندسازی اقتصادی زنان و ارائه کمک‌های مالی موردی.

رویکردهای نوین تبلیغی نهادهای اسلامی

یکی از مشکلاتی که در حال حاضر مانع از گسترش فعالیت‌های متنوع مردم مسلمان در آفریقا است، نداشتن شناخت صحیح مردم از مفاد و قوانین حیات‌بخش اسلامی است. اگرچه در این زمینه فعالیت‌های مختلفی از سوی نهادهای مربوطه صورت پذیرفته، باید اقرار کرد این تلاش‌ها هرگز جوابگوی نیازها نبوده و بسیار ضروری است سازمان‌های فعال در امور مردم بدان عنایت داشته باشند. تشکیل هم‌اندیشی‌های مردمی که اکنون از سوی برخی رایزنی‌ها و سازمان‌ها برپا می‌شود، در افزایش آگاهی مؤثر بوده است و مردم را قادر می‌سازد از اوضاع خاوران خود در سایر کشورهای مسلمان مطلع شوند. آن‌ها می‌توانند از این طریق درباره مشکلات مشترک خود بحث و گفت‌وگو کنند و راه حل‌های مؤثری به‌دست بیاورند. مردم مسلمان باید از تجربیات یکدیگر بهره ببرند و دست به دست هم دهند تا جایگاه خود را هم در اجتماع و هم در موقعیت‌های خصوصی ارتقا بخشند. ایجاد ارتباط محلی میان جوامع اسلامی آثار مثبت بسیاری دارد. برخی بر این باور هستند که مذهب و قوانین اسلامی در عقب ماندن زن‌ها و کم‌تحركی جوانان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و یکی از دلایل پشت صحنه نگه‌داشتن مردم به حساب می‌آید؛ از این رو، سعی می‌کنند به برنامه‌های خود صبغه دنیوی ببخشند. واقعیت این است که قطعاً مذهب در همه جای دنیا و به‌ویژه آفریقا نقش اساسی در زندگی مردم ایفا کرده است؛ اما واقعیت این است که اسلام در طول تاریخ نقش آگاهی‌بخش و تمدن‌ساز داشته است. اسلام هرگز قصد خانه‌نشین کردن زنان و تحقیر جوانان را نداشته و پیوسته زنان را به فراگیری دانش و مشارکت فعال در سرنوشت جامعه فرامی‌خوانده است.

بهداشت و رسیدگی به نیازهای پزشکی مردم و به‌ویژه مسلمانان آفریقا از اهداف سازمان‌های غیردولتی شیعی محسوب می‌شود. این امر از نیازهای اساسی جوامع است و بدون اهتمام به آن نمی‌توان امید پیشرفت و توسعه داشت. متأسفانه بهداشت و آموزش از بخش‌هایی است که به‌دلیل ناتوانی مالی و فقدان دوراندیشی کمتر از سوی مسئولان آفریقایی بدان توجه شده و در معرض بحران است. بدون تردید، بهداشت و آموزش و همگانی کردن آن‌ها نیاز اصلی و فوری تمام کشورهای آفریقایی است و تا هنگامی که بدان‌ها توجه لازم مبذول نگردد، پیشرفت و توسعه محقق نخواهد شد. توجه به این دو مقوله و همگانی کردن آن‌ها به منابع مالی و عزم جدی نیاز دارد که در حال حاضر بسیاری از کشورهای آفریقایی فاقد آن هستند. در این زمینه نهادهای اسلامی با آغاز برخی تلاش‌ها به پیشرفت‌های خوبی نائل شده‌اند. در آفریقا در کنار مسجد پیرو اهل‌البیت (ع) یک مؤسسه آموزشی و بهداشتی تأسیس شده است و بدین وسیله در رفع مشکلات مردم و جذب قلوب و اذهان آن‌ها تلاش می‌کند. در واقع به‌دلیل فقر و محرومیت آفریقایی‌ها، کمک‌رسانی و حمایت‌های مادی و معنوی در جذب آن‌ها مؤثر است. از این شیوه نه تنها گروه‌های اسلامی، که گروه‌های تبشیری نیز بهره‌جسته و به برخی اهداف خود نائل آمده‌اند.

از آنجا که دولت‌ها برای مبارزه با توسعه شهرها برنامه منسجمی نداشتند و رشد فزاینده شهرها نیز بر مشکلات مردم افزوده است، گروه‌های اسلامی با شناخت ضعف‌ها و قوت‌های مردم به برآورده کردن نیازهای آنان همت گماشتند. سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران با استفاده از فرصت‌ها و امکانات گسترده پزشکی در کشور می‌تواند در جهت بهبود شرایط مردم آفریقا بکوشد و در کاهش مشکلات آن‌ها سهیم باشد. این امر علاوه بر آنکه فرصت مناسبی برای گسترش کار آن سازمان فراهم خواهد آورد، موجب افزایش تلاش‌های فرهنگی و اقبال بیشتر آفریقایی‌ها به جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. از کارهای مهم پیشنهادی به هلال احمر آفریقا بدین شرح است:

۱. پژوهش و بررسی امراض و بیماری‌های مهم آفریقایی و فراهم آوردن داروهای ارزان و مناسب برای آن‌ها؛
۲. همکاری با بخش‌های بهداشتی از طریق معرفی پزشکان علاقه‌مند و حاذق؛
۳. فراهم آوردن امکاناتی برای تدریس اساتید ایرانی در آفریقا به‌منظور آشنایی با پژوهشگران و اساتید فن؛
۴. تبادل تجربیات و اطلاعات با بخش‌های پزشکی فعال در آفریقا.

مشکلات و موانع کار سازمان‌ها

در آفریقا هنوز هم در کنار برخی پیشرفت‌های برابری طلبانه در قوانین، مشکلات بی‌شماری پنهان شده است؛ از جمله در آن سرزمین خشونت علیه مردم آشکار بوده، بسیاری از مردم مورد ضرب و شتم، تجاوز و بی‌مهری قرار می‌گیرند. گستردگی این خشونت‌ها چنان است که سازمان عفو بین‌الملل در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۰۴م. آن را به شدت افشا و محکوم کرده است. این خشونت‌ها، توانمندی، عدالت و خیرخواهی دستگاه‌های قضایی آفریقا و حاکمیت عادلانه دولت‌ها را خدشه‌دار می‌سازد. بهره‌جویان در آفریقا از آموزش، بهداشت، حضور در تلاش‌های اقتصادی و سیاسی، حق استخدام و پذیرفته شدن در اجتماع، دارا بودن استقلال در اموری که حق آن‌هاست، اندک می‌باشد و همین امر موجبات کم‌کاری آن‌ها در جامعه، فساد اخلاقی و توسعه نیافتگی قاره را فراهم می‌آورد.

از احزاب اسلامی حمایت مالی چندانی نمی‌شود و بدیهی است که از نظر تبلیغاتی و تأثیرگذاری محدود و کم‌اثر باشند (Ninsin, 1993: 252-254). از سوی دیگر، برخی احزاب اسلامی نیز با یکدیگر خصومت می‌ورزند. دو حزب اسلامی «ان پی سی» و «نیو» در شمال نیجریه اگرچه بر محور تمایلات اسلامی شکل گرفته‌اند، با یکدیگر از جهت شیوه عمل اختلاف نظر دارند و در جهت تضعیف یکدیگر می‌کوشند (Levitson, 2000: 212). در اوگاندا شورای عالی مسلمانان^۱ با انجمن ملی پیشرفت مسلمانان^۲ آن کشور اختلاف نظر دارد که در نهایت به تضعیف هر دو گروه منجر شده است (Ibid, 354).

موضوع درآمدزایی و هزینه آن‌ها یکی از نگرانی‌های بزرگ این سازمان‌ها و سیاستمداران آفریقایی است. البته حساسیتی و شفافیت سازمان‌های غیردولتی و مدیریت خارجی آن‌ها این تصور را در مردم به وجود آورده که کمتر به سوءاستفاده از امکانات و یا توزیع ناعادلانه دست می‌زنند. گفتنی است که بیشتر این سازمان‌ها در پایان سال با ارائه حساسیتی شفاف و یا وانمود کردن به آن، خود را از تهمت اختلاس و یا سوءاستفاده مبرا می‌کنند. با این همه، شماری از کشورهای آفریقایی به کار این نهادها حساس‌اند و انواع نگویش و تنگناها را برای آن‌ها فراهم می‌آورند. در این کشورها بر حقانیت و درستی کار این سازمان‌ها تردید، و تبصره‌هایی را در دولت مبنی بر غیرضروری بودن سازمان‌های غیردولتی تصویب کرده‌اند.

1 . Umsc. Uganda muslim supreme council

2 . Naam, national association for the advancement of muslims

در حال حاضر، مشکل آن است که پراکندگی و استفاده نکردن از معیارهای بین‌المللی از سوی سازمان‌های غیردولتی آفریقا باعث نگرانی مردم و جوامع آن قاره شده و از دیگر سو، ظرفیت تشکیلات دولتی جهت هماهنگ‌سازی و تنظیم بیشتر و شفاف‌تر این تلاش‌ها و خدمات اجتماعی کم است. از مشکلات مهم این سازمان‌ها، مدیریت غیراصولی است که اجازه بهره‌برداری از توان سازمان را سلب می‌کند (Bakari, 1995: 228). در این زمینه اگر امکانی فراهم شود که کارگاه‌های آموزشی و هم‌اندیشی‌هایی برای مسئولان آن‌ها برگزار شود، نقش مثبتی خواهد داشت.

بستر جدید تعامل با آفریقا و ارائه چند پیشنهاد از سوی نهادها و سازمان‌های غیردولتی عرصه جدیدی برای تلاش مردمی و بهبود اوضاع آن‌ها در آفریقا به وجود آورده که در گذشته موجود نبوده و تأثیر آن‌ها انکارناپذیر است. این نهادها اکنون با پشتیبانی مسئولان ادیان، اتحادیه آفریقا و سازمان‌های بزرگ جهانی به کانون مقاومت، تجدید قدرت سیاسی و عرصه قدرتیابی شهروندان تبدیل شده است. این نهادها از یک سو مشکلات و کاستی‌های جامعه خود را شناخته‌اند و با بهره‌گیری از دانش محلی و جهانی راه حل‌هایی ارائه می‌کنند که در بسیاری مواقع سودمند است؛ از سوی دیگر، جامعه مدنی مرکز بروز خلاقیت‌ها، ابتکارات جدید اجتماعی و مدرسه آموزش و تمرین مردم‌سالاری، تساهل، مدارا، شهامت و اخلاق مدنی در آفریقا شده است. در پنج دهه پس از استقلال، به دلیل گسترش شهرنشینی، نقش نهادهای مردمی در دورترین نقاط آفریقا به‌طور چشمگیری رشد و گسترش یافته است؛ به همین دلیل عده‌ای از پژوهشگران، نهادهای غیردولتی را در پیشرفت آفریقا بسیار مؤثر و مهم می‌دانند.

نهادهای جمهوری اسلامی ایران می‌توانند از این فرصت برای افزایش تلاش‌های مردمی و بخش خصوصی بهره‌مند شوند که در زیر به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. ایجاد پیوند و تعامل بین سازمان‌های زنان دو خطه؛
۲. گسترش همکاری‌های علمی و پژوهشی بین نهادهای آموزشی؛
۳. تشویق همکاری‌های فرهنگی و هنری با نهادهای دولتی و غیردولتی؛
۴. افزایش تلاش‌های بخش خصوصی در جهت بهره‌مندی از توان یکدیگر و گسترش تجربیات صنعتی؛
۵. تشویق همکاری و تعامل بین نهادهای تولیدی روستایی و انتقال تجربیات؛
۶. تشویق همکاری‌های انتشاراتی و ارائه تسهیلات برای ترجمه کتب فرهنگی و علمی؛
۷. تشویق تعاملات ورزشی و همکاری‌های جوانان؛
۸. افزایش تعاملات دولتی و غیردولتی در زمینه‌های تفسیر و اجرای قوانین؛
۹. گسترش همکاری‌های دانشجویی با کمک نهادهای غیردولتی دو خطه؛

۱۰. کمک به گسترش گردشگری و آشنایی با میراث فرهنگی؛
۱۱. همکاری در حفظ و مرمت کتب خطی و آثار باستانی که موارد ضروری آن در تومبوکتو می‌باشد.

نتیجه‌گیری

البته مبارزه در راه برابری حقوق مردم نه فقط در کشورهای اسلامی آفریقا، که در بسیاری از جوامع دیگر همواره رنگ دینی و مذهبی گرفته و مورد استقبال مردم واقع شده است. واقعیت این است که عرف و سنت‌های قبیله‌ای، زنان را از برخی حقوق محروم کرده است. اگرچه ضرورت‌های زمانه موجب افزایش خواسته‌های مردم شده، با این همه تنها در صبغه مذهبی بخشیدن به آن تلاش‌هاست که مردم می‌توانند با آسودگی خیال و به‌دور از برخی رسوبات فکری قدیمی در آن وادی گام نهاده، پیشرفت کنند. برخی از علاقه‌مندان به اقدامات و فعالیت‌های دینی در آفریقا، چون شناختی از جنبش‌های نوین ندارند معتقدند در آن قاره اصلاً چیزی به نام جنبش مردمی وجود ندارد. این استنباط یا به‌دلیل نارضایتی تحلیلگران از تلاش‌های مردم و یا کند بودن پیشرفت تلاش‌هاست.

سازمان‌های شیعی، مانند فاطمه زهرا (س) و سازمان بلال میشن و خواهران پیرو اهل‌البیت (ع) در تمام کشورهای شرق و جنوب آفریقا در جهت ارتقای جایگاه شیعه تلاش و فعالیت دارند و به کارهای آموزشی، خیریه، عام‌المنفعه و بهداشتی مشغول‌اند. البته هدف نهایی این سازمان‌ها تربیت گروه‌هایی از افراد (زن و مرد) است که با راه یافتن به دوره‌های آموزش عالی در راه گسترش و بهبود قدرت مردم‌سالاری و شرایط زندگی مردم تلاش کنند. این سازمان‌ها به فعالیت در امور سیاسی و اقتصادی علاقه‌مندند و تمایل دارند در تصمیم‌گیری مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شرکت کنند (Hynes, 1996: 118-120)؛ از این رو، بیشتر این سازمان‌ها تلاش می‌کنند از مردم و نیز دانش‌آموختگانی در مدیریت‌های سیاسی، اقتصادی استفاده کنند که به اهداف یادشده متعهد باشند. این سازمان‌ها برای تحقق اهدافشان در پی آن‌اند همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی را با همکاری سرپرستان سازمان‌های غیردولتی و علاقه‌مندان به پیشرفت اقتصادی - اجتماعی برگزار کنند تا به انتقال تجربه و دانش مدیریت سازمان‌ها کمک نمایند. واقعیت این است که تنها در ارتباط و تعامل بین‌المللی است که می‌توان با تنگناها و مشکلات داخلی آفریقا مبارزه و موانع سنتی و قانونی را برطرف کرد. البته تأثیر و نقش مردم بنا به نوع سازمان‌های غیردولتی و روحیات افراد و افق فکری آن‌ها متفاوت است.

منابع

- تامسون، الکس (۱۳۸۶)؛ **مقدمه‌ای بر سیاست و حکومت در آفریقا**؛ ترجمه دکتر علی گلیانی و دکتر احمد بخشی؛ تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار.

Bakari, Mohamad (ed)(1994) **Islam in Kenya**, Nairobi.

Bello, sule (ed)(1991) **Culture and decision making in Nigeria**, pub by national council for arts and culture, lagos

Chazon, n (eds)(1999) **Politics and society in contemporary Africa**, 3 rd ed. lynne riennner pub, usa.

Hansen, h, b and twaddle, m. (eds)(1995) **religion and politics in east Africa**, villiers pub, uk.

Haynes, jeff.(1996) **Religion and politics in Africa**, zed book pub, uk.

Levit Zion, Nehemia (eds) (2000). **The History of Islam in Africa**. Ohio uni press, usa

Mazrui, Ali (ed) (1993) **General History of Africa**, Africa Since 1935, Heinmann, Unesco.

Ninsin, kwame, a. and Drah, f, k. (eds)(1993), **politia parties and democracy in Ghanas fourth republic**, woeli publishing services, accra.

Newell, Stephanie(1997) **African Women Writing**. zed books. London.

Bowker, john, (ed)(1997) **The oxford dictionary of world religions**. ,Oxford University Press.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی